

عصر آزادی

روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی

صاحب امتیاز: **مؤسسه مطبوعاتی پیمان**

مدیر عامل و مدیر مسئول: **سید فرید پیمان**

رییس هیئت مدیره و سردبیر: **دکتر سید وحید پیمان**

لیتوگرافی و چاپ: **شاخه سبز**

گروه ۳ته بندی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

انتیاز: ۵۵/۶۰

نشانی:

تهران - خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد - پلاک ۹۷ - طبقه سوم

صندوقپستی: ۷۱۸۴-۱۵۸۷۵

آدرس تبریز: **خیابان المان،جنب بن بست یآوری** ،

ساختمان آوا ۵۱ طبقه اول

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۸۴۵۴

مسئول آگهی ها:۴۳۳۰۰۴۳۶۶۰۰۹۱۲۴۶۶

لینک تلگرام: <https:// telegram.me /asrazadi.ir>

Email: asrazadi۹@gmail.com
www.asrazadionline.ir

۳ اثر

کوتاه ایرانی در جشنواره فیلم باکو



پانزدهمین جشنواره فیلم باکو در کشور آذربایجان میزبان نمایش سه فیلم کوتاه از سینماگران ایرانی خواهد بود.

به گزارش ایسنا، فیلم کوتاه «تاکسیدریست» ساخته بهزاد علوی و سوسن سلامت و انیمیشن کوتاه «آتل» ساخته مهدی صدقی در بخش رقابتی بین‌الملل و «تن فروش» ساخته علیرضا شاکری در بخش رقابتی استعدادهای آسیایی جشنواره فیلم باکو به نمایش گذاشته خواهند شد.

جشنواره بین‌المللی فیلم باکو از ۴ تا ۸ اکتبر (۱۳ تا ۱۷ مهر) در شهر باکو (آذربایجان) برگزار می‌شود.

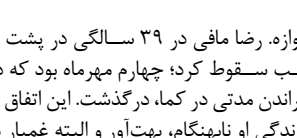
این جشنواره در سال ۲۰۰۴ توسط مرکز فیلمسازان جوان آذربایجان تأسیس و به یکی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم در آذربایجان تبدیل شد. هدف جشنواره انتخاب بهترین‌ها و جذب تماشاگران بیشتر است تا نویسندگان و فیلمسازان داخلی را با جریان‌ها و رویکردهای بین‌المللی آشنا کند.

به بهانه سالروز گذشت رضا مافی –هنرمند خوشنویس

ترازوی مرگ خوشنویس جوان در پشت صحنه یک سریال پر آوازه

سکوت رضا مافی بعد از مرگ هم شکسته نشد؛ این هنرمند خوشنویس در ۳۹ سالگی چشم از جهان فرو بست و به همین ترتیب بیش از ۴۰ سال دیگر را هم در سکوت سپری کرد.

به گزارش ایسنا، سونگامه مرگ رضا مافی با «هزارستان» پیوند خورده است؛ ترازوی مرگ خوشنویسی جوان در پشت صحنه یک سریال



پرواژه. رضا مافی در ۳۹ سالگی در پشت صحنه سریال «هزارستان» از اسب سقوط کرد؛ چهارم مهرماه بود که در اثر این آسیب دیدگی و پس از گذراندن مدتی در کما، درگذشت. این اتفاق به گمان بسیاری، همانند مراحل

از زندگی او نابهنگام، به‌طور او و البته غمبار بود.

چهره مافی اگرچه تار اما فراموش نشده، به همت دوست‌دارانش، از چهره این هنرمند جوان که در ۳۹ سالگی دنیا را ترک کرده بود، سردیس ساخته شد. سردیس مافی را بهروز گلزاری با قالب‌گیری از صورت او در زمان کما ساخت. این سردیس با مترپال برنز و سنگ مرمر، در ابعاد ۳۹ در ۲۹ به نشان سن او ساخته شده است. عمر مافی در سکوت سر شد و همین امر موجب شد که شخصیتش تا حد زیادی ناشناخته بماند. حالا دوست‌دارانش او را میان دست‌نوشته‌های به جا مانده‌اش جست و جو کرده و گاهی هم با کاوش در آثارش به دنبال یافتن حقایق پنهانند.

یکی از دوست‌داران مافی که تعدادی از آثار این هنرمند را هم در اختیار دارد می‌گوید «هنوز برخی مترپال‌هایی که رضا مافی از آن‌ها استفاده کرده مشخص نیست.»

مافی هنرمند خوشنویسی، در کنار روش و اصول سنتی، خلق آثاری با زمینه مدرن را هم در نظر داشت؛ او با استفاده از رنگ و طرح‌هایی با سبک و سیاق مدرن، آثاری را خلق کرد که بر همین اساس عده‌ای از کارشناسان هنر خوشنویسی او را در زمره پیشروان نقاشی خط مدرن می‌شناسند.

رضا مافی و دستان بازیگرش با اتودهایی برای تیتراژ سریال «هزارستان» علی حائمی نیز شناخته می‌شوند. دست‌های خوشنویسی که در سکانس‌های این سریال دیده می‌شود، اغلب دست‌های رضا مافی است. گفته می‌شود تیتراژ ابتدایی این سریال نیز برگرفته از قطرات خون و مرکب خوشنویسی است که بعضی او را از جمله خلاقیت‌های خطاطی رضا مافی به شمار می‌آورند.

پس از مرگ این هنرمند البته به مدت ۴۰ سالگی کمتر به او پرداخته شد؛ کمتر درباره او صحبت و کمتر نمایشگاهی با آثارش برپا شد. حالا چندی است که دیگر بار با برپایی چند نمایشگاه از آثار او، نامش بر سر زبان بخشی از جامعه هنری افتاده است.از دیدگاه بعضی پژوهشگران حرکت به سمت و گرایش به قضا و هنرهای سنتی از آثار این هنرمند پیداست؛ همچنین او به سه حوزه از هنر از خط کلاسیک ایرانی به خصوص نستعلیق، تا اندازه‌ای خط شکسته و بر خط فرم و نقاشی تسلط داشته است. به عقیده عده‌ای از پژوهشگران هنرهای تجسمی، حفظ اصالت خط در نقاشی را می‌توان از جمله نقاط قوت آثارش محسوب کرد چرا که مبنای آثار او خط کلاسیک، و نقاشی تابعی از آن در نظر گرفته شده است.گفتنی است که خلق بداهه آثار نیز از ویژگی آثار مافی است. او بسیاری از آثار خود را به صورت بداهه خلق می‌کرد و از نگاه خط به احساسات آنی خود می‌پرداخت. با این وجود که بعضی او را گوشه‌گیر عنوان می‌کنند اما بعضی هم می‌گویند «رضا مافی روحیه‌ای خاص داشت. احساساتی بود و همین احساسات موجب می‌شد که در سکوت و انزوا خطاطی کند.» اگر چه سال‌های انزوای این هنرمند بعد از درگذشت نیز تا حدی ادامه یافت اما حالا هم اثر سیر و سلوک روحش میان جوهرهای پخش شده بر بوم، همچنان باقی مانده است.

یادداشت

عصر آزادی / محمد فرج پور باسمنجی

۷ شهریورماه روز شمس تبریز و ۸ شهریور روز مولانا جلال الدین رومی است. ادیبان و دوستداران شعر و عرفان در این روزها با برپایی نشست های ادبی به بررسی آرا و نظرات و اندیشه های این دوچهره متعلق به ملل می پردازند و در کشورهای ترک زبان و ایران محافل شعر و ادب و بزرگداشت برپا می شود.

محمد بن علی بن ملک داد، ملقب به شمس تبریزی (۵۴۵ه‍.ق-۵۸۲ ه‍.ق) تبریز از عارفان و صوفیان جهان شرق است و به قول فیلسوف معاصر استاد غلامحسین دینانی 'شمس تبریز از بزرگان عرفای جهان اسلام و به اندازه ای بزرگ است که شناختش برای ما ساده نیست. کم سخن و خاموش در تاریخ. اما تأثیرات فکری او به اکتاف عالم رسیده است.در تبریز آموختن و پختن و سوختن و نشست و برخاست با اهل دانش و عرفان داشته و به نقاط مختلف جهان سفر کرده و آبدیده شده است. در قونیه/بغداد/ حلب/ دمشق/ بیت المقدس و کرمان رد پایش در تاریخ مستند دیده می شود.

در قونیه با مولانا میردش، در رقص های صوفیانه و سماع شرکت می جسته و ششمس، نزدیکی به بزرگ پروردگار عالمیان را از طریق موسیقی و رقص تجربه می کرده است. عرفان راه راه رسیدن به حق می دانست و بی اعتنا به دنیا به معنای واقعی بود و سجده بر پروردگار عالمیان و احساس خفارت در برابر خدای بزرگ را مایه مباحث خود می دانست.

در تاریخ، شمس تبریز شخصیت عارفانه و دانایی داشته و عادت به نوشتن در او نبوده ولی اهل صحبت و سخن و مجلس بود. به موسیقی عرفانی، صوفی و سماعی عشق می ورزید و روحش سیقل می یافت و پرواز می کرد. با مولانا به زبان مادری ترکی مرآوده و مباحثه و مناظره می کرده است. ولی نوشتار به زبان فارسی است.

غزلیات شمس تبریزی و مناقب العارفین از آثار منحصر بفردی بوده که مقالات ششمس به اکثر زبان های زنده جهان ترجمه و با تشریح و توضیحات ساده اهل فن و سخن به میان مردم کوچه بازار کشیده شده است. البته نظم و نثر مولانا و آب و تاب دادن به سخنان شمس و استادانه به نظم کشیدن ایده های شمس در اظهارش کار ساز شده است.

نظرات جالب و تازه شمس در زمان خود در تأویلات و برداشت های بدیع پاره ای از آیات شریفه قران

شمس تبریز پر آوازه در جهان 'گمنام در آنا یوردی



جلال الدین محمد بلخی ■ **محمد بن علی بن ملک‌داد تبریزی**
نامدار به مولوی، مولانا و رومی
ملقب به شمس الدین یا شمس تبریزی



■ **شناخت عارفان و ادیبان جهان از ایران مدیون آوازه شمس تبریزی است.**
■ **برخی از کوتوله های فرهنگی قدر دانشمندان و هنرمندان جهانی تبریز را نمی دانند.**

عظیم، مفسران و دوستداران شنیدن تازه های عرفانی و تفسیری قرآن کریم را هنوز هم شیفته خود کرده است که نشان از تسلط این فرزند بزرگ سنی تبریز از مفاهم بلند کلام الهی دارد.

فیلم سینمایی مست عشق در سینمای ایران در سال ۹۸ در تهران با فیلم‌نامه نویسی مستند محققان و پرداخت هنری و تصویری به دیدار شمس با مولانا

نقاشی‌هایی که بعد از ۱۲۰ سال به هم پیوستند

از جمله تابلوهای قابل‌توجه این نمایشگاه، به تابلویی با نمای تاریخی پل «چرینگ کراس» می‌توان اشاره کرد که زمانی به وینستون چرچیل تعلق داشت که اخیرا پس از چند دهه مرمت شده است.«کلود مونه» یکی از پرآوازه‌ترین هنرمندان جهان است. این نقاش برجسته فرانسوی از جمله هنرمندانی بود که به وفور از محیط اطراف خانه‌اش به عنوان موضوعات تابلوهای نقاشی استفاده می‌کرد. «مونه» از طبیعت اطرافش برای خلق نقاشی‌هایی استفاده می‌کرد که دیدگاه ما نسبت به رنگ‌ها و منظره‌ها را تغییر می‌دهد.«مونه» در «ترماندی» واقع در فرانسه بزرگ شد. او در همان مکان به عنوان نقاش منظره شناخته شد و در سال ۱۸۶۲ یعنی در آغاز راه به عنوان نقاش حرفه‌ای، به تحصیل در رشته نقاشی در پاریس مشغول شد. او تصمیم گرفت سبک نقاشی در فضای باز را در پیش بگیرد و در نهایت در روستای کوچک «ژوئونی» واقع در فرانسه مستقر شد.فضای آرام این مکان به «مونه» این امکان را می‌داد تا از طبیعت به بهترین شکل دیدن کند. «مونه» یکی از پیشگامان جنبش امپرسیونیسم فرانسوی بود. او در خانه‌اش واقع در «ژوئونی» به مدت ۴۳ سال یعنی از سال ۱۸۸۳ تا زمانی که در سال ۱۹۲۶ درگذشت، زندگی کرد. روش نقاشی در فضای باز باعث شده بود «مونه» زمان زیادی را در باغش صرف کند. او از این فضای چشم‌نواز و سبز لذت می‌برد. این فضا به محل خلق برخی از مشهورترین نقاشی‌های او تبدیل شد، مجموعه نیلوفرهای آبی.این مجموعه شامل ۲۵۰ تابلو نقاشی بزرگ رنگ روغن می‌شود که اکنون در گالری‌های سراسر جهان نگهداری می‌شوند.

«سفر پرماجرا» موزیکال نیست



امروزی را نمی‌توان با نگاه گل درشت دهه ۶۰ مقایسه کرد. امروز کودک و نوجوان دسترسی مستقیم به همه ابزارهای ارتباطی و نمونه‌های جهانی دارد. سفر پرماجرا شانس‌ی برای انتقال نگاه خود انداخته و تأثیری بر مخاطب ندارد. ساخت چنین آثاری با چنین مضامینی نیازمند رفتن به سراغ انیمیشن یا انتخاب مدیوم تلویزیون است. مخاطب این اثر را پس می‌زند و هزینه تولید این فیلم یک فرصت‌سوزی محسوب می‌شود.

مافیای اکران داریم

سیفی ادامه داد: وقتی فیلمی برای کودک در کره ساخته می‌شود همه مدارس موظف به دیدن آن اثر هستند و در صورتی که این مهم محقق نشود با این اتفاق برخورد می‌شود اما در ایران در چنین شرایطی نیست. برخی فیلم‌های موزیکال تماشاچی دارند اما فیلم من موزیکال نیست. این شاخص بسیار در موفقیت کودک و نوجوان مؤثر است. من اعلام کردم اکران همزمان این فیلم با یک فیلم دیگر موزیکال با اکران فیلم من اسب می‌زند و اکران ما را ۱۵ شهریور به ۲۴ مرداد تغییر دادند. وقتی اکران سفر پرماجرا را ظهر قرار می‌دهند چه کسی فیلم مرا می‌بیند؟

وی ادامه داد: مافیای اکران داریم و همین مافیا ۶۰۰ سانس به یک اثر می‌دهد و برخی آثار سانس کمتر می‌دهد.

روزبه رحیمی نژاد با اشاره به سبقه خود در سینماری توضیح داد: نه دفتر پخش و کارگردان نمی‌تواند به مدیر سینما اِزام کند که چند سانس به فیلم بدهد. سینما فیلمی را که متقاضی بیشتری دارد در اولویت قرار می‌دهد.

سیفی اظهار کرد: اگر فیلمی واقعا فروش دارد چرا سانس ساعت ۱۵ را به این فیلم

«بعداز ظهرهای تنهایی» بهترین فیلم سن سباستین شد



هفتاد و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سن سباستین به عنوان مهم‌ترین جشنواره سینمایی در اسپانیا برندگان خود را در بخش‌های مختلف اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، در مراسم اختتامیه جشنواره سن سباستین در نهایت جایزه صدف طلایی بهترین فیلم به مستند «بعدازظهرهای تنهایی» ساخته آلبرت سرا رسید، اثری مستند که نگاهی جامع به سنت گلوبازی معاصر در اسپانیا دارد.

این جایزه توسط جایزه کامبورا در برنده جایزه صدف طلایی سال گذشته و رئیس هیات داوران بخش اصلی جشنواره سن سباستین به فیلم برگزیده اعطا شد. «بعدازظهرهای تنهایی» با محوریت شخصیت آندره ری روگا، ستاره پربویی ماتادور، در به تصویر کشیدن خشونت این ورزش سرخ است و پیش از این انجمن حقوق حیوانات اسپانیا خواستار حذف این فیلم از جشنواره شده است. آلبرت سرا بیشتر به‌خاطر آثار داستانی چالش‌برانگیزش از جمله «آرامش» و «مرگ لویی چهاردهم» شناخته می‌شود.

جایزه ویژه هیات داوران جشنواره سن باستین نیز به تیم بازیگران فیلم «آخرین دختر نمایش» ساخته جیا کابلاو رسید و «در حال سقوط» ساخته لورا کربرا و پدرو مارتین-کالرو نیز جایزه صدف نقره‌ای بهترین کارگردانی

پرفروش نمی‌دهند؟ چرا بهترین سانس‌ها به این فیلم ما داده می‌شود؟ ما فرصت تبلیغ هم نداریم.طهماسبی در ادامه با طرح این پرسش که آیا با اکران خوب مخاطب سفر پرماجرا می‌رسد، گفت: براساس تجربه جولیم به این پرسش منفی است. این فیلم از تصاویر آرشیوی و جلوه‌های ویژه استفاده نکرده و هدایت داستان و بازی‌ها، امکان کشاندن مخاطب به سینما را ندارد. سفر جادویی و آثار مشابه در دهه ۷۰ ساخته شدند و مخاطبان را به سینما کشاندند و موزیکال هم نبودند. شما ۱۲ فیلم ساختید و هیچ‌کدام با استقبال مخاطبان روبرو نشد.

وی ادامه داد: کارگردان سفر پرماجرا از پایه گذاران سینمای جوان بوده و معتقدم باید ابزار بهتری برای معرفی فیلم داشته باشند و خط مشی متفاوتی را نسبت به دیگر همکاران خود برگزیده است.

سیفی در پاسخ به این نگاه گفت: من تمایلی به استفاده از راتر برای اکران ندارم. من شرایط کنونی مدیریت سینمایی را قبول ندارم، زیرا هدفش مشخص نیست و هر مدیری نگاه سلیقه‌ای دارد و انسجام ندارد؛ نمی‌داند از چه فیلم‌هایی باید دفاع کنند و از فیلم مستقلی مثل سفر پرماجرا حمایت نمی‌کنند. زمانی ما از سینمای مستقل حمایت می‌کردیم.

وی درباره توقیف فیلم آدم برفی یادآور شد: جریان توقیف این اثر سیاسی مشکل نشان دادن شخصیت زن در فیلم بود. عمل را ساخته بومد و تراشیدن ریش ولی‌الله شیراندازی را سانسور کردند و این عسل از پوستر حذف شد. این نگاه‌های بی‌ارزش بود و این شرایط را کم ندیدم، برای همین از پول دولتی برای ساخت فیلم استفاده نکردم. همه فیلمسازان از سرمایه دولتی استفاده کردند.

حمایت تلاش برای تفکیک جنسیتی سالن‌های سینمایی

وی درباره اتفاقات دوره مدیریتی خود در سینما گفت: سال ۵۸ در جایی بودیم و گفتند از فردا، سینما باید زنانه و مردانه باشد و من اعتراض کردم که انگلیسی‌ها نفوذ و فضا را مسموم کردند. این تندروی‌ها، موجب نابسامانی فرهنگی و تولید کنونی در سینما شد. بسیاری از فیلم‌هایی که امروز اکران می‌شود، باید در گروه «ج» به نمایش در آیند اما امروز طبقه بالا را می‌گیرد و وزیر وقت هم می‌گوید فیلم‌ها فروش خوبی دارد.سهیلا پورمحمدی کارگردان فیلم جاندا ناز نیز در این برنامه در بخش فیلم کوتاه اظهار کرد: جاندا شیبه دکمه‌ای بود که برای آن کت دوختم. یکی از دغدغه‌های من پذیرش مرگ بود و از دست دادن نزدیکان از مواردی بود که از بچگی مساله جدی داشتم. در رشت و در بازار ماهی‌فروشان روزی جان دادن ماهی‌ها را دیدم. این ماهی‌ها ۸ ساعت در این وضعیت می‌مانند تا مشتری‌ها فکر کنند آنها تازه هستند و روایت جاندا از اینجا شکل گرفت.

وی ادامه داد: برای تولید این اثر اولیال سال ۱۴۰۰، حدود ۹۰ میلیون تومان هزینه شد و به جشنواره‌های الف جهانی راه یافت و جایزه ویژه هیات داوران را از جشنواره فیلم تهران دریافت کرد. در بازنویسی آخر به ایده استفاده از انیمیشن در جاندا رسیدیم و از انیمیشن برای کامل کردن روایت‌بچه‌در فیلم کمک گرفتیم.